

غسان کنفانی، نویسنده فلسطینی در رمان کوتاه «مردانی در آفتاب»
به نقد بخشی از جامعه فلسطین می‌پردازد
که تن به تقدیر سپرده و نمی‌جنگند

روایت دهشتناک ذلت



زینب مرتضایی فرد
روزنامه‌نگار

غسان کنفانی، نویسنده فلسطینی است که در ایران او را با دو کتاب می‌شناسیم. یکی «مردانی در آفتاب» با ترجمه احسان موسوی خلخالی و دیگری قصه‌ها به ترجمه غلامرضا امامی. اولی رمانی کوتاه است و دومی مجموعه داستان‌های کوتاه این نویسنده. هر چند مردانی در آفتاب از

جمله آثار تاثیرگذار و خاص نویسنده است، اما از زیبایی داستان‌های کوتاه او نمی‌توان چشمپوشی کرد.

کنفانی هم نویسنده است و هم روزنامه‌نگار که در سرزمینی اشغال شده به دنیا می‌آید و خیلی زود بدل می‌شود به یکی از اعضای رهبری جبهه مردمی برای آزادی فلسطین. از يك طرف مبارزه می‌کند و از طرف دیگر می‌نویسد. چهار رمان و دو رمان ناتمام و سه نمایشنامه و پنج مجموعه داستان از او منتشر شده که شماری از آنها داستان کودک است. او همچنین آثاری پژوهشی در حوزه تاریخ ادبیات فلسطین و نیز اثری مهم درباره ادبیات صهیونیستی نوشته است. غسان کنفانی نقاش هم بود و برخی تابلوهای او را در اینترنت و به طور خاص در صفحه رسمی بنیادی به نام او می‌توان دید.

مردانی در آفتاب را می‌توان مهم‌ترین اثر کنفانی دانست. رمان کوتاهی که در سال ۲۰۰۱ در فهرست صدرمان برتر جهان عرب قرار می‌گیرد و جایگاه پنجم را به خود اختصاص می‌دهد. کتاب تاکنون به حدود ۲۰ زبان ترجمه شده و کنفانی را در میان نویسندگان فلسطینی در جایگاه خاصی قرار می‌دهد، تاحدی که برخی منتقدان او را بنیانگذار رمان مدرن فلسطین می‌دانند.

به دلیل جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ غسان به همراه خانواده مجبور به مهاجرت شد و پس از اقامت کوتاهی در لبنان، به سوریه رفتند و در دمشق به عنوان پناهنده فلسطینی سکنی گزیدند. دوره متوسطه را در آنجا سپری کرد. در سال ۱۹۵۲ در رشته ادبیات عرب دانشگاه دمشق ثبت‌نام کرد.

او پس از سال‌ها مبارزه و تلاش هشتم جولای ۱۹۷۲ درحالی



که بسیار جوان بود و سی و شش سال داشت، در يك حادثه تروریستی موساد، در بیروت، با انفجاری بمبی که در ماشین‌اش قرار داده بودند، به همراه خواهرزاده‌اش ترور شد و به شهادت رسید.

سه‌گانه‌ای برای فلسطین

«مردانی در آفتاب» شاخص‌ترین اثر کنفانی و از مهم‌ترین آثار داستانی درباره مساله فلسطین است. دو رمان دیگر کنفانی، یعنی «آنچه برایتان ماند» (ما تبقی لکم) و «بازگشته به حیفا» (عائد الی حیفا)، با این رمان ارتباط تنگاتنگ دارند و با هم يك سه‌گانه را تشکیل می‌دهند.

مردانی در آفتاب داستانی جذاب و وحشی است؛ شخصیت‌های داستان در فکر فرارند، رهایی از سرزمین اشغالی، سه مرد فلسطینی، از سه نسل مختلف، قصد مهاجرت قاچاقی به کویت (که آن روزها به نظر سوییسی خاورمیانه می‌آمد) را دارند. آنچه آنها را دچار سرنوشتی مشترک می‌کند پشت سر گذاشتن جهنم زندگی در مملکتی اشغال شده و شوق یافتن حیاتی نو در سرزمینی موعود است

تا علاوه بر این‌که خود را نجات دهند دستی برای یاری به خانواده‌هایشان باشند. هر سه مرد برای رسیدن به کویت همراه راننده‌ای می‌شوند که به نظر می‌رسد از قاچاقچی‌های حرفه‌ای قابل اعتمادتر باشد. سرنوشت آنها را اما نگوئیم و در کتاب تعقیبش کنید، هر چند قبل‌تر هم گفتیم که سرنوشت تلخی خواهند داشت.

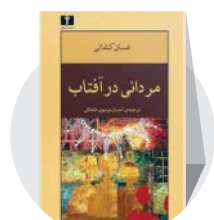
مردانی در آفتاب، نثر و زبانی سرراست و گزنده دارد. نویسنده مصیبت و فلاکت شخصیت‌هایی را نشان می‌دهد که به جای ماندن و اعتراض کردن و فریاد کشیدن و دست به کار شدن، در پی تغییر وضعیت خویش از راه تغییر مختصات خود هستند. پایان تراژیک ماجرا از آغاز داستان شاید مشخص نباشد و همین به نیمه دوم داستان که با بخش «راه» آغاز می‌شود ضرباهنگی تند و هیجانی می‌بخشد. اما نویسنده در لابه‌لای روایت خود از هر کدام از شخصیت‌ها نشان می‌دهد که با تصمیمی که گرفته‌اند، همدل نیست.

غسان را متأثر از رئالیسم سوسیالیستی می‌دانند که سردمدار اصلی آن ماکسیم گورکی است. این چیزی است که همه منتقدان به آن اشاره کرده‌اند. البته الیاس خوری، رمان‌نویس و منتقد لبنانی، در مقاله‌ای تأکید می‌کند که ترجمه «خشم و هیاهو» اثر فاکنر، که به همت شخصیت بسیار تاثیرگذار فلسطینی دیگری به نام جیرا ابراهیم جیرا انجام شد، تأثیر بسیاری بر داستان‌نویسی عربی نهاد و اساسا داستان «آنچه برایتان ماند» را بازنویسی فاکنری مردانی در آفتاب می‌خواند.

این رمان با آن‌که واقعه‌گراست اما از وجهی نمادین نیز برخوردار است. عبدالرزاق عید، منتقد سوریه‌ای مردانی در آفتاب را اثری درباره کنش انسانی در برابر سیطره دهشتناک واقعیت می‌داند.

او می‌گوید آنچه قهرمان‌های داستان را به این وضعیت اسفناک کشانده ابوالخیزان نیست، بلکه چیز دیگر است که می‌توان آن را احساس شکست و سرخوردگی ملتی دانست که در پی رهایی جمعی بر نمی‌آیند و فرار را ترجیح می‌دهند. همه این بحث‌ها درباره این که چه کسی در داستان نماد چه چیزی است، نشان‌دهنده توفیق نویسنده در استفاده از نمادهادر داستان است.

کنفانی در این رمان نقد خود را متوجه فردی فلسطینی کرده که تن به تقدیر سپرده و برای رهایی به بیرون از خاک خود روی برده، غافل از آن که بیرون جز «صحرا» هیچ نیست و این صحرا جز مرگی ذلیلانه چیزی در خود ندارد.



نویسنده:
غسان کنفانی

مترجم:

احسان موسوی خلخالی

انتشارات:

نیلوفر

۱۱۲ صفحه

۲۵۰۰۰ تومان

آنگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی نوبت اول

انجمن صنفی کارفرمایان تولیدکنندگان لوستر و چراغ‌های تزئینی استان تهران

حذف بند ۷ ماده ۲۲ اساسنامه

دستور جلسه مجمع عمومی عادی:

عزل دسته‌جمعی اعضاء هیات‌مدیره و بازرسان

در صورت موافقت با عزل انتخاب هیات‌مدیره و بازرسان

در صورت عدم موافقت مجمع عمومی با عزل، انتخاب

اعضاء علی‌البدل هیات‌مدیره

سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

از کلیه اعضاء انجمن صنفی دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی نوبت‌اول انجمن صنفی مذکور که به ترتیب در ساعت ۱۰ و ۱۱ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۹/۱/۲۵ در محل جدید دفتر انجمن به نشانی: خیابان خاوران، بعد از فرهنگسرای خاوران، خیابان شهید نباتی، پلاک ۶۰ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده:

اصلاح ماده ۵ اساسنامه

هیات مدیره انجمن